

عشق من، برای تو از دل می نویسم

دلی که سخت غمگین است

دلی که اگر یک روز صدایت را نشنود

دق می کند، میمیرد، دیگر نمیتپد

تو به زندگیم آمدی و تمام هستی ام شدی

و من به تعداد تک تک ثانیه هایی که گذشته

عاشقت شدم

و دلم را به دست تو سپردم

تو که همیشه به مهربانی ات دلخوش بودم

قدری مراعات این دل خسته و دردناک را بکن

میترسم از روزی که نباشم

در این دنیا دیگر نباشم

تا مراقب فرشته ی زندگیم باشم و هر روز به تو عشق بورزم

اما همیشه در یادت بماند که یک نفر بود

یک نفر در این دنیا

که بیشتر از هر نفس و بیشتر از جانش دوستت داشت

تو که خوب میدانی بی وجودت لحظه ای دوام نمی آورم

هر روز و هر لحظه نگرانت می شوم

که چه می کنی؟

در اعماق تنهایی و در میان اشک هایم زمزمه می کنم

تنهاییت برای من

غصه هایت برای من

همه ی بغض ها و اشک هایت برای من

تو فقط برایم حرف بزنی

رهایم کن از این مرگ تدریجی

نجاتم بده از این ذره ذره مردن

که هر ثانیه در کمین این قلب خسته نشسته

بگذار از صدایت آرامش بگیرم

هر چه می خواهد بشود

فقط تو مثل همیشه در کنارم بمان

که نفس هایم به نفس های تو وابسته است

بگذار دلم در آرامش صدایت ، حرف هایت و وجودت آرام بگیرد

دلم سخت برایت تنگ شده

برای تو که تا آخرین نفس عاشقت میمانم

